یادداشت

واقعیت‌های مجازی



زهرا چیذری
سردبیر چاردیواری

بگذارید با یک سؤال شروع کنم؛ شما چقدر اهل حضور در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هستید و در طول روز یا هفته چند بار سراغ این شبکه‌ها می‌روید و اصلا خودتان چقدر اهل پست گذاشتن و فعالیت در چنین فضایی هستید؟

سؤال بعدی این‌که وقتی پست تازه‌ای می‌گذارید، چند بار دوباره به صفحه شخصی‌تان سر می‌زنید تا لایک‌ها و کامنت‌هایی که پای مطلب‌تان گذاشته شده را چک کنید؟ این کامنت‌ها چقدر روی شما تاثیرگذار است و چقدر از لایک‌هایی که دریافت کرده‌اید، انرژی می‌گیرید؟ اصلا اگر این لایک وکامنت‌ها برای‌تان مهم نیست، چرا در فضای مجازی پست می‌گذارید و بخش‌هایی از زندگی‌تان را با دیگران مشترک می‌شوید؟

بی‌تردید همه دوست داریم دیده شویم و دیگران به ما توجه کنند و شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل همه‌گیر شدن فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی توجه به این نکته و پاسخ به نیاز انسان‌ها برای دیده شدن است اما این نیاز هم مانند برخی دیگر از نیازهای ما حد یقفی ندارد و یک جورهایی بی پایان است. چیزی شبیه استسقا هرقدر بیشتر دیده شویم، عطش دیده شدن در ما بیشتر می‌شود و این عطش هیچ‌گاه فرونمی‌نشیند. براین اساس باید یک جایی این احساس را کنترل کرده و بردهانه این اسب سرکش لگام زد، چراکه گرفتار شدن به عطش دیده شدن، خیلی وقت‌ها می‌تواند زندگی ما را از حالت عادی خارج کند و به اضطراب و چالش بکشاند. اگر بخواهیم بلاگرهای اینستاگرامی را به‌لحاظ شخصیتی تحلیل کنیم، می‌توان بروز حالات اضطرابی را در آنها به عینه دید. افرادی که تمام هم و غم و زندگی‌شان در مسیر بیشتر دیده شدن قرار می‌گیرد و همه ارکان زندگی‌شان را بر مبنای همین مسأله می‌چینند و دیگر نمی‌توانند یک زندگی عادی و بی‌دغدغه داشته باشند. بلاگرهایی که حتی شخصی‌ترین امور زندگی روزمره‌شان را هم در ویترین و در معرض دید دیگران قرار می‌دهند و چیدمان این امور هر چند شخصی را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کنند که نگاه دیگران را جلب کنند و لایک و کامنت داشته باشند. همین مسأله اما در دراز مدت می‌تواند روی زندگی شخصی و روابط خانوادگی آنها تاثیر منفی بگذارد. همچنان‌که زندگی آرمانی‌ای که این بلاگرها پیش چشم دنبال‌کنندگان‌شان به تصویر می‌کشند، زندگی آنها را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. پس اگر در فضای مجازی فعالیم، بیشتر حواس‌مان به واقعیت‌های مجازی این فضا باشد.

کتابی برای افزایش آگاهی درباره شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های مجازی و خانواده

امیر علوی
خبرنگار چاردیواری

رایانه، اینترنت، گوشی‌های هوشمند و نرم‌افزارهای کاربردی آن و دیگر فناوری‌های حاصل از توسعه الکترونیک و علوم رایانه‌ای، فقط یک نوع ابزار هستند و بسته به نگرش و مقاصد کاربران می‌توانند مضر یا مفید باشند. درعین این‌که این ابزارها می‌توانند آسیب‌هایی به فرد، خانواده و نظام جامعه وارد کنند، می‌توانند باعث تحول، پیشرفت، نوآوری، رشد، سلامت و آسان شدن زندگی برای بشر شوند. رسانه‌ها از عوامل مهم تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی بوده‌اند و نوع زندگی بشر و تعاملات بشری را تعیین کرده‌اند. آنها حتی ادراک ما را از جهان هستی صورت‌بندی می‌کنند. عصر جدید عصر انفجار اطلاعات است که در آن تبادل اطلاعات با سرعت و به شکل گسترده‌ای صورت می‌گیرد.



معرفی

ظهور فضای سایبری و هجمه اطلاعات به انسان، امیدها و تهدیدهایی برای او داشته است. او در این فضا خود را تحت تأثیر رسانه‌ها و فناوری‌های جدید و سیل اطلاعات به نحوی جدید تجربه می‌کند.

یکی از ویژگی‌های اصلی این شبکه‌ها قدرت برقراری نظام شبکه‌ای میان دوستان و افرادی است که دارای اشتراکات فکری و فرهنگی هستند. در این میان، شبکه‌های اجتماعی مجازی مطرح دنیا به دلیل در دسترس بودن، سرعت بسیار بالا و جذابیت‌های فراوانی که دارند، مخاطبان زیادی را به خود جلب کرده‌اند و به‌عنوان رسانه‌ای تأثیرگذار، بیشترین نقش را در تغییر فرهنگ ارتباطی و سبک زندگی مخاطبان خود ایفا می‌کنند. این امر و افزایش روز افزون ضریب نفوذ اینترنت در جوامع مخصوصا بین خانواده‌ها، توجه محققان علوم انسانی به‌ویژه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به جنبه‌های مختلف اینترنت و اثرات گوناگون آن جلب کرده است. امروزه محققان در مورد فرصت‌ها و چالش‌ها، بیم‌ها و امیدهای حاصل از اینترنت بررسی‌های فراوانی کرده‌اند.

سؤال بسیار مهمی که ذهن این پژوهشگران را به خود مشغول داشته، این است که آیا تسلط و نفوذ این فناوری فراگیر، جنبه‌های مثبت برای رشد و تعالی انسان دارد یا برعکس، حاوی مواد خطرناک و تخریب‌گر مؤلفه‌های روانی، اجتماعی و معنوی نیز هست؟ برای مصلحان اجتماعی مثبت‌ترین پیامد این پدیده نوظهور می‌تواند تسهیل و تسریع ارتباطات و تبادل اطلاعات باشد و منفی‌ترین پیامد آن نیز می‌تواند به خطر افتادن حریم خصوصی افراد، منزوی شدن آنها و از هم پاشیدگی بنیان خانواده باشد.

استفاده مفرط از این فناوری‌ها به بروز آسیب‌های نوپدید منجر شده است. این آسیب‌ها ناشی از استفاده بیش از حد از ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و اینترنت است. بروز این آسیب‌ها می‌تواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اجتماعی و روانی باشد. به همین دلیل، برنامه‌ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش آسیب‌های نوپدید، لازم و ضروری است.

در کتاب شبکه‌های مجازی و خانواده نوشته کیومرث فرحبخش و محمدرضا خبازی راوندی به جنبه‌های مفید و سازنده اینترنت و شبکه‌های مجازی و انواع مواد و محتواهای مربوط به آن پرداخته می‌شود. در کتاب شبکه‌های مجازی و خانواده، رهنمودهایی برای کنترل و نظارت بر استفاده از این‌گونه ابزارها به خانواده‌ها ارائه شده است.

این مطالب در این سه بخش ارائه می‌شود: رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، شبکه‌های مجازی و تأثیرات آن برخانواده و مدیریت رسانه‌ها در خانواده.

درنگ

جز حیرت، چیزی عاید بشر نمی‌شود

در این عالمی که از یک طرف وسعت بی‌نهایت و عظمت اجرام فلکی و کهکشان‌های آن اندیشه و فکر بشر را خیره و مبهوت ساخته و از طرف دیگر دقایقی که در شکم اتم‌های ریز و ذرات ذره‌بینی آن نهفته شده عقلش را تباه و چنان سرگردانش نموده که اگر بخواهد فکر خود را بین این دو سنخ موجود خُرد و بزرگ جولان دهد، جز حیرت چیزی عایدش نمی‌شود. آری، آدمی را از موهبت فکر و نور خِرَد جز اندکی ناچیز مانند چراغ موشی که مسیر کوتاه زندگیش را روشن ساخته به سان شمعی که در ظلمات شبی دیجور پیش پای صاحبش را هویدا کند ارزانی نداشته‌اند، بنابراین باید گفت هر چیزی که مورد علم ما قرار می‌گیرد حقیقت و واقعیتش وابسته و مربوط به موجودات اطراف خود و آن موجودات هم به موجودات دیگر و همچنین ... و این موجودات حقایقی هستند که به‌کلی از علم و ادراک آدمی غایبند. پس این موجود مفروض هم حقیقتش از حیطه علم ما بیرون است و ما وقتی می‌توانیم به‌طور حقیقت و به تمام معنا علم به چیزی پیدا کنیم که تمامی موجودات وابسته به آن یعنی به سراپای عالم وجود و اسرار آن واقف شویم، و این معنا برای ما که خود مخلوقی هستیم محدود، دست نمی‌دهد، و همچنین برای غیر ما از موجودات دیگر./ترجمه تفسیر المیزان، ج۶، ص۲۹۱



درجات ربوبیت

ربوبیت و تسلط درجات و مراتب دارد. به هر درجه که شما در مسیر عبودیت جلو بروید، ربوبیت پیدا می‌کنید و به اصطلاح ولایت، یعنی تسلط پیدا می‌کنید. به آنجا می‌رسید که مالک خاطرات نفس خودتان می‌شوید.

بالاتر از این هم درجه‌ای هست؟

بله، یک انسان مستجاب‌الدعوه - لااقل درباره خودتان - می‌شوید. حتی می‌توانید روی بدن خودتان اثر بگذارید، اعجاز کنید، کرامت کنید، در نتیجه عبودیت که جوْهرهٔ کنهها الرُّبوبیة نتیجه عبودیت تسلط است.

آیا بالاتر از این هم هست؟

بله، اما این بالاتر، برای فهم‌ها و فکرهای ما خیلی زیاد است، خیلی از اشخاص نمی‌توانند باور کنند که انسانی در اثر عبودیت و بندگی خدا و تذلّل، در اثر این که صراط عبودیت را طی کرده است، برسد به جایی که در جهان هم بتواند تصرف کند، یعنی بتواند یک بیماری را از راه روحی معالجه کند، یک کور مادرزاد را شفا بدهد، یک پیس را شفا بدهد (آن‌طور که قرآن درباره عیسی بن مریم نقل می‌کند) البته به اذن ا...؛ خدا به آنها چنین قدرتی داده است.

اذن خدا همان قدرتی است که خدا افاضه می‌کند؛ و تُبْرِئُ ٱلْاَكمَهَ وَالْاَبْرَصَ بِاِذْنی وَ اِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتی بِاِذْنی یا در آیه دیگر: وَ اِحْی الْمَوْتی بِاِذْنِ ا.... این یک درجه بالاتر است.

حضرت علی(ع) از آن عبدها و بنده‌هایی است که به این خداوندگاری نائل شده است. اما اشتباه نکنید، خیال نکنید این عبودیت که نتیجه‌اش خداوندگاری و تسلط است، نتیجه‌اش خودبینی و غرور و منیت هم هست؛ ابدا، خودبینی با عبودیت سازگار نیست. آن بنده‌ای که بندگی کند برای ربوبیت، کارش به جایی نمی‌رسد. عبودیت جز تذلّل و خاکساری چیز دیگری نیست.

حضرت علی(ع) در مناجات‌های خودش عرض می‌کند: خدایا! کفی لی فَخراً اَنْ اکونَ لَک عَبْداً وَ کفی لی عِزّاً اَنْ تَکونَ لی رَبّاً. خدایا! این افتخار برای من بس که بنده تو باشم و این عزت و شرافت برای من بس که تو رب و خداوندگار و پروردگار من باشی.

ما برای حضرت علی(ع) خیلی مقامات قائل هستیم و باید هم قائل باشیم.

اصلا مسأله ولایت که می‌گویند، بدون ولایت تکوینی - در یک حدودی - اساسا ولایت نیست.

کسانی که منکر ولایت تکوینی شده‌اند و حتی ولایت تکوینی را نمی‌فهمند که چیست؛ یک چیز دیگر را پیش خودشان جاهلانه فرض و تصور کرده‌اند و همان‌ها را هم مرتب به مردم گفته‌اند، در کتاب‌های‌شان هم نوشته‌اند چون شعورشان به این مسائل نمی‌رسد. آنها اساسا انسان و خدا را نمی‌شناسند.

در این‌جور مسائل اظهارنظر کردن، فرع بر دو مسأله است: اول شناختن خدا، دوم شناختن انسان و استعدادهای درونی انسان و معنی تقرب انسان به خدا و معنی عبودیت و معنی عبادت. علی که این‌چنین محبوب است به خاطر عبودیت است.

چه خوب می‌گوید ابوسعید ابی‌الخیر:

آن‌کس که تو را شناخت جان را چه کند
فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی
دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

آن کسی که مجذوب تو می‌شود، چه اعتنایی به این ربوبیت‌ها دارد که بخواهد منیت، غرور و تکبر پیدا کند.

برگرفته از کتاب آزادی معنوی
استاد شهید مرتضی مطهری